

Policy reports; The link between research and public policy

Masoud Darroudi

PhD in Public Policy, University of Tehran, Tehran, Iran. Masouddarroudi@gmail.com

Abstract

Policy reports are short documents that present the findings and recommendations of a research project to their audiences, including policymakers, experts, and perhaps non-experts. The special function of these documents is to provide them through workable proposals in the form of scientific frameworks and with support Accurate and observational data enhance the decision-making and policy-making process to increase accuracy and performance. Question and purpose of the research: Also, the present article tries to review the theoretical implications of filling the research and policy gap and first the international evidence and case studies of countries, barriers and opportunities to strengthen the relationship between researchers and policymakers involved in public policy. And given the impact that policy reports have on the decision-making and policy-making process of public institutions, and how do they help enhance government policy capacity? Research Methodology: The present article uses a descriptive and analytical method and tries to analyze how to improve policy-making capacity based on describing the impact of policy reports. Research Results: By providing quality evidence, policy reports transform the new knowledge produced in their research into context-based messages and clear guidelines for policymakers, which will be complemented by discussions with policymakers on research evidence and policy guidance.

Keywords: Policy report, Public policy, Research, Knowledge transfer, Development.

¹ Received: ۲۰۱۹/۰۵/۳۱ - Revision: ۲۰۱۹/۰۸/۰۵ - Accepted: ۲۰۱۹/۰۹/۲۱

گزارش‌های سیاستی؛ حلقه اتصال پژوهش و سیاست عمومی

مسعود درودی

دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Masouddarroudi@gmail.com

چکیده

مقاله حاضر تلاش دارد تا با مروری بر آثار نظری راجع به پر کردن شکاف پژوهش و سیاست‌گذاری، شواهد بین‌المللی و مطالعات موردی کشورها، موانع و فرصت‌های تقویت ارتباط بین پژوهشگران و سیاست‌گذاران درگیر در سیاست‌گذاری عمومی را بررسی نماید. همچنین نشان دهد که گزارش‌های سیاستی چه تاثیری بر فرایند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری نهادهای عمومی گذاشته و چگونه به ارتقای ظرفیت سیاستی دولت یاری می‌رسانند؟ این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده و تلاش دارد بر پایه توصیف روند تاثیرگذاری گزارش‌های سیاستی، نحوه ارتقای ظرفیت سیاست‌گذاری را تحلیل نماید. نتایج نشان داد که گزارش‌های سیاستی با ارائه شواهد باکیفیت، دانش جدید تولید شده در پژوهش‌های خود را به پیام‌های بافت محور و رهنمودهای شفاف برای سیاست‌گذاران تبدیل می‌سازند، که این روند در مذاکره با سیاست‌گذاران درباره شواهد پژوهشی و ارائه رهنمودهای سیاستی تکمیل خواهد شود. در نهایت به منظور نفوذ و بهره‌گیری یافته‌ها و پیشنهادات گزارش‌های سیاستی در لایه‌های سیاست‌گذاری ضروری و لازم است تا هماهنگی نزدیکی بین پژوهشگران و سیاست‌گذاران از همان ابتدا (به‌جای توزیع نتایج پژوهش در پایان پروژه) برای رسیدن به توافق بر سر مسائل کلیدی و ارتقای فهم روش پژوهش و نیز مالکیت یافته‌ها ایجاد شود.

کلیدواژه‌ها: گزارش سیاستی، سیاست‌گذاری عمومی، پژوهش، انتقال دانش، توسعه.

^۲ تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۰ - تاریخ اصلاح: ۱۳۹۸/۰۵/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰

مقدمه

اصولاً در دنیای امروز، دولت‌ها از چهره قهریه کلاسیک خود به دولت‌های فروتن (کروزیه، ۱۳۹۲) و تنظیم‌گر^۱ گذار کرده‌اند. ماهیت این تغییر، ناظر به کار ویژه دولت، یعنی سیاست‌گذاری عمومی است و همین تغییر است که اساساً، ماهیت سیاست عمومی را از حکومت‌محوری به شبکه‌ای در قالب حکمرانی مبدل ساخته است (درودی و وحدانی‌نیا، ۱۳۹۸). سیاست‌گذاری عمومی در معنای کلی خود می‌تواند به کلیه اقدامات و عدم اقدامات یک دولت برای رفع و کاهش چالش‌ها و مشکلات زیست مردم باشد. سیاست‌های عمومی واجد ویژگی‌های منحصربه‌فردی است:

- سیاست‌های عمومی در سیستم‌های سیاسی مدرن کم‌وبیش به صورت تصادفی رخ نمی‌دهند، بلکه آن‌ها برای اجرای اهداف خاص و یا ایجاد نتایج معین طراحی می‌شوند. اگرچه در همه موارد قابل‌دستیابی نیستند؛
 - سیاست‌های عمومی شامل روش‌ها و یا الگوهای عمل هستند که توسط مؤسسات و سازمان‌های دولتی در طول زمان اتخاذ گردیده‌اند. به‌جای اینکه تصمیمات جداگانه و مستقلی باشند؛
 - سیاست‌گذاری‌های عمومی در پاسخ به تقاضاهای سیاست و یا ادعاهایی برای اقدام و یا عدم اقدام درباره برخی موضوعات عمومی ایجادشده از سوی عاملین، شهروندان، گروه‌های اجتماعی، قانون‌گذاران و دیگر سازمان‌های عمومی تحت نظارت سازمان‌های دولتی ظهور می‌کند؛
 - سیاست‌گذاری عمومی شامل آنچه که دولت‌ها در عمل انجام می‌دهند، است نه آنچه که آن‌ها تمایل به انجام آن را دارند و نه آنچه که مقامات اظهار می‌کنند که درصدد انجام آن هستند.
- دریافتی که از ویژگی‌های فوق به‌دست می‌آید، سیاست‌گذاری عمومی را واجد مهم‌ترین نمود عملی یک دولت در نظر می‌گیرد. هر اقدام یا عدم اقدام دولت، نتایج و پیامدهای گسترده‌ای در ظهور یا کاهش چالش‌ها و مشکلات دارد. حال سؤالی که پیش می‌آید این است که چگونه می‌توان تصمیمات و سیاست‌گذاری یک دولت را به‌منظور کاهش هر چه بیشتر پیامدهای آسیب‌زا و بحران‌ساز، دقیق و بهینه ساخت؟

فارغ از راهکارهایی که تا به امروز در سطح دولت‌ها برای بهینه‌سازی تصمیمات آن صورت گرفته است، اسناد سیاست‌پژوهی یکی از راهکارهای اساسی در تجربه سیاست‌گذاری کشورهای توسعه‌یافته است. «سیاست‌پژوهی استفاده از پژوهش در امر سیاست است که به‌موجب آن، پژوهش‌های کاربردی شده و ارتباط بین رشته‌های آکادمیک و بخش‌های دولتی سیاست‌گذاری گسترش می‌یابد» (قلی‌پور و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴). به‌عبارت‌دیگر، سیاست‌پژوهی شامل کلیه اقدامات تحقیقاتی و پژوهشی در مورد سیاست‌های عمومی دولت است. گزارش‌های سیاستی در این زمینه از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌پژوهی به‌شمار می‌روند

^۱ . Regulation

(Jordan & Turnepenny, ۲۰۱۵, P. ۲۳). گزارش‌های سیاستی ابزار بسیار قدرتمندی هستند؛ که می‌توانند به چند منظور در فرآیند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری به کار گرفته شوند. در حیطه مطالعات راهبردی، بسیاری از گزارش‌هایی که منتشر می‌شوند، هدفشان اثرگذاری بر دیگر متخصصان سیاست‌گذاری یا اتاق‌های فکر است و به دنبال آگاه‌سازی و تأثیرگذاری بر مخاطبان خود هستند (یانگ و کوئین، ۱۳۹۵، ص ۱۸).

این گزارش‌ها توانایی این را دارند که داده‌های عمومی و بینشی‌ای را ارائه کنند که در هر مرحله از فرایند سیاست‌گذاری قابل استفاده باشند، ضمن اینکه می‌توانند بر یک مرحله یا مراحل خاصی از فرآیند متمرکز شوند. به‌عنوان مثال، چنین گزارش‌هایی قادر به عرضه بدیل‌های سیاستی و پیشنهاد گزینه‌ای برای سیاست‌گذاری متمرکز شده، یا در راستای ارتقای طراحی نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌ها تلاش کنند و یا اینکه به ارزیابی گزینه‌های سیاستی انتخاب‌شده بپردازند. به‌طور کلی به دلیل ماهیت مستقل کار محققان سیاست‌گذاری، گزارش‌های سیاستی بیشتر دارای رویکردی مسأله‌محور و ارزش‌محور هستند.

اهداف پژوهش

هدف پژوهش حاضر، بررسی و تاکید بر گزارش‌های سیاستی است که می‌تواند به مثابه یک حلقه واسط میان دانش و فرآیند سیاست‌گذاری عمومی نقش ایفا نماید. مقاله حاضر می‌کوشد تا به جهت تحقق این هدف معمولاً مستلزم به‌کارگیری رویکردی با مؤلفه‌های ذیل خواهد بود:

- تعریف و توصیف دقیق یک مسئله راهبردی - سیاستی ضروری در چارچوب سیاست‌گذاری‌های کنونی که ضرورت پرداختن به آن وجود داشته باشد؛
- برشمردن شیوه‌ها و بدیل‌های متعدد در حوزه سیاست‌گذاری به‌منظور مواجهه با آن مسئله؛
- ارزیابی برآیندهای محتمل هر یک از این گزینه‌ها بر مبنای یک چارچوب تحلیلی کلی و شواهد مربوط به چارچوب فعلی سیاست‌گذاری؛
- انتخاب یک گزینه راهبردی (ارائه پیشنهاد‌های راهبردی) و ارائه استدلالی قوی در توجیه اینکه چرا این گزینه، بهترین گزینه ممکن است.

با توجه به این موارد باید گفت گزارش‌های سیاستی، ماهیت متفاوتی با تحقیقات دانشگاهی دارند. برخلاف تحقیقات دانشگاهی، در گزارش‌های سیاستی، ارتباط میان مسئله و راه‌حل آن در این قبیل گزارش‌ها نقشی محوری دارد و این رابطه، انگیزه اصلی تدوین گزارش‌های سیاستی را به‌عنوان سندی آشکارا هدفمند، و در راستای توجیه یک گزینه سیاستی مشخص، تشکیل می‌دهد. تدوین‌کننده چنین گزارش‌هایی در اتخاذ این رویکرد هدفمند باید توازنی را میان دو عامل متضاد ایجاد نماید:

- ضرورت ارائه توصیف جامعی از مسئله و بحث پیرامون گزینه‌های سیاستی موجود در چارچوب سیاست‌گذاری‌های جاری که می‌تواند در بردارنده نتایج پژوهش‌های دسته اول تدوین‌کننده نیز باشد، تا بدین ترتیب موضع وی، باورپذیر به نظر آید و امکان انجام یک ارزیابی آگاهانه نیز فراهم گردد؛
- ضرورت ارائه این استدلال به شکلی که تنها، دانش و داده‌های مرتبط با مسئله موردنظر که برای احراز درستی این استدلال ضروری هستند، در گزارش گنجانده شوند.

مسأله پژوهش

با توجه به مقدمه‌ای که در باب گزارش‌های سیاستی و ضرورت ایفای نقش آنها در فرایند تصمیم‌سازی نهادهای عمومی بویژه دستگاه‌ها و نهادهای عمومی دولت گفته شد؛ مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که گزارش‌های سیاستی، چه تأثیری بر فرایند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری نهادهای عمومی گذاشته و چگونه به ارتقای ظرفیت سیاستی دولت، یاری می‌رسانند؟

نوآوری پژوهش

دقت نظر در آثار تدوین شده در این حوزه، نشان می‌دهد که ادبیات سیاست‌گذاری عمومی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به جز آثار معدودی که در باب مفهوم سیاست‌پژوهی و بسط مفهومی آن تألیف شده‌اند (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹؛ جاودانی، ۱۳۹۴). همچنین در باب نحوه تدوین گزارش‌های راهبردی و سیاستی، (یانگ و کوئین، ۱۳۹۵) پژوهشی مستقل که در باب مکانیسم تاثیرگذاری گزاره‌های سیاستی بر فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی و در نهایت نقش آن در ارتقای ظرفیت سیاستی دولت، تدوین شده باشد؛ وجود ندارد. نوآوری پژوهش حاضر و همچنین نقطه تمایز آن با دیگر آثار تألیفی در این حوزه، تاکید آن بر موارد گفته شده است.

چارچوب نظری: گزارش‌های سیاستی؛ راهبردی برای بهبود ظرفیت تصمیم‌گیری دولت

همان‌گونه که در مطالعات مربوط به «شکست دولت» گفته می‌شود، محدودیت توانایی دولت در جمع‌آوری و پردازش داده‌ها نشان می‌دهد؛ مداخله موفقیت‌آمیز دولت فقط با پرداخت هزینه‌های اطلاعات ممکن می‌شود. در این زمینه قابلیت منابع دولت اهمیت دارد زیرا تشکیلاتی با قابلیت‌های بیشتر- در شرایط برابر- بهتر می‌تواند اطلاعات مناسب را جمع‌آوری کند. فقدان منابع حکومتی برای جمع‌آوری اطلاعات، مشکلات جدی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه پدید آورده است (چانگ، ۱۳۹۲، ص ۶۲). با این حال در بحث‌های قبلی گفتیم که صرفاً دسترسی به اطلاعات گسترده‌تر نمی‌تواند مهم باشد. زیرا شاید، تنگناهای پردازش اطلاعات- که در همان مقوله عقلانیت محدود جای می‌گیرند- وجود داشته باشد. از نوشته‌های مبسوط درباره سازمان‌ها و تصمیم‌گیری، می‌توان فهمید که تولنایی دولت (یا هر سازمان دیگر) در پردازش اطلاعات، بیش از هر چیز به ساختار تصمیم‌گیری و فرآیندهای سیاست‌گذاری در بدنه آن دولت- که مهم‌ترین جنبه از میزان تمرکز محسوب می‌شود- بستگی دارد (Simon, ۱۹۷۵ & ۱۹۸۵). با فرض ثابت بودن بقیه شرایط، افزایش لایه‌های تصمیم‌گیری مستقل، موجب افزایش زمان و منابع

صرف شده برای تصمیم‌گیری شده (مثلاً هزینه‌های ارتباطات و مذاکره) و به این ترتیب، متمرکز شدن تصمیم‌گیری می‌تواند با تقویت تصمیم‌گیری‌های سریع باعث کاهش هزینه‌ها گردد.

البته ساختار تصمیم‌گیری متمرکز با خطر تضعیف تصمیم‌های عقلایی همراه است. زیرا تصمیمات متمرکز ممکن است؛ به شدت، متأثر از اطلاعاتی باشند که در دسترس تصمیم‌گیرندگان ارشد است و این اطلاعات گاهی در مقایسه با اطلاعات واحدهای عملیاتی، ناقص به نظر می‌رسد. باین حال، باز هم چنین نقیصه‌ای به معنای وقوع بهترین تصمیم‌گیری‌ها در غیرمتمرکزترین ساختارهای تصمیم‌گیری نیست (درودی و همکاران، ۱۳۹۶). کیفیت تصمیم‌گیری‌ها به ماهیت تصمیم بستگی دارد. به همین جهت گزارش‌های سیاستی که حاوی داده‌ها و درنهایت توصیه‌هایی است که مبتنی بر اطلاعات واحدهای عملیاتی و نیز اطلاعات در دسترس تصمیم‌گیرندگان ارشد است؛ از توانایی اثربخشی بر کیفیت و فرایند تصمیم‌سازی و متعاقب آن سیاست‌گذاری برخوردار می‌باشد (همان).

نکته دیگر آنکه، به نظر می‌رسد در سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری دولت، به تصمیم‌گیرندگان ارشد باید فقط وظایف راهبردی محول شود؛ یعنی وظایفی که به اهداف بلندمدت کل نظام اقتصادی مربوط می‌شود. به این ترتیب، لازم است وظایف روزمره و تکراری به تصمیم‌گیرندگان زیردست ایشان واگذار گردد. در نوشته‌های مربوط به سازماندهی، دیده می‌شود که وظایف روزمره و تحلیلی عمدتاً با منافع واحدهای تصمیم‌گیری گره خورده است: «تنگنای ضرب‌الاجل‌ها و نظارت بر کارکنان معمولاً باعث می‌شود که فعالیت‌های روزمره بر وظایف تحلیلی - که به همان اندازه مهم است - اولویت داده شوند» (Simon, ۱۹۸۵, p. ۸۱). با توجه به محدود بودن ظرفیت هر فرد برای تحلیل اطلاعات، معاف کردن تصمیم‌گیرندگان ارشد از تصمیمات روزمره، موجب ارتقای توانایی‌های کلی دولت برای پردازش اطلاعات می‌گردد.

توصیف شکاف میان پژوهش و سیاست‌گذاری

ضرورت کاربست تأثیرات پژوهش بر فرآیند سیاست‌گذاری باعث شده، پیچیدگی‌های استفاده از شواهد پژوهشی در فرایندهای سیاست‌گذاری کاهش یابد (Fairhead & et al., ۲۰۰۷; Choi & et al., ۲۰۰۶; Scott & et al., ۲۰۰۳; Cash & et al., ۲۰۰۶). اکنون تأکید بر ائتلاف‌هایی است که هم سازمان‌های دولتی و هم مؤسسات پژوهشی، هر دو را شامل می‌شوند. همچنین تأکید، بر تبدیل دانش نوآورانه به فرایند سیاست‌گذاری است. مثلاً بر مشارکت‌های پژوهشی دارای چند ذی‌نفع بین پژوهشگران، سازمان‌های غیردولتی و سیاست‌گذاران و نیز پایه‌گذاری شبکه‌های دانشی در وزارتخانه‌های مهم در برخی کشورهای روبه توسعه تأکید می‌شود (Buse & et al., ۲۰۰۵). باین حال، چند تنش مهم ساختاری و حرفه‌ای بین پژوهشگران و سیاست‌گذاران وجود دارد. در ادامه این تنش‌ها توضیح داده می‌شود:

الف) **خبرگی پژوهشی تخصصی در برابر دانش دموکراتیزه:** تلاش برای ایجاد ارتباط بین اطلاعات پژوهش بنیاد و سیاست‌گذاری باعث ایجاد تنش بین دانش علمی به مثابه اطلاعات «ممتاز» و تأثیرات فرساینده‌ای می‌شود که پایگاه دانشی

دموکراتیزه ممکن است موجب شود (Weingart, ۱۹۹۹, p. ۱۵۳). برخی نگران هستند که توانایی نظام کنونی ارتباط بین پژوهشگر و سیاست‌گذار نتواند تأثیرات منفی افراطی دانش علمی را رفع کند. همچنین تکثرگرایی دانش در سیاست، می‌تواند باعث سرکوب گفتگو شود؛ به‌جای اینکه آن را تقویت کند (Clark & Juma, ۲۰۰۲). سیاست‌گذاران که وقت کافی در اختیار ندارند و توسط منابع مختلف، بمباران اطلاعاتی می‌شوند، ممکن است با انتخاب «شواهدی» که بیشتر با گرایش‌های سیاسی‌شان سازگار است، یک تصمیم شتاب‌زده بگیرند. نگرانی اصلی این است که بدون تلاش برای بهبود این کانال‌های ارتباطی، پژوهش ممکن است «خلوص» خود را هنگامی که در چارچوب‌های زمانی تنگ فضای سیاسی استفاده می‌شود؛ از دست بدهد. به همین جهت است که در ادبیات سیاست‌گذاری عمومی همواره تأکید شده است که «هنر توصیه‌سازی، یکی از مهارت‌های مهم پژوهشی است» (گلدمن، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳). به عبارتی دیگر، همواره محقق باید فواید عملی - اجرایی ناشی از پژوهش خود را صرف‌نظر از سطح پژوهش مشخص و گزاره‌های سیاستی معینی را در انتهای گزارش ارائه کنند (حاجیان، ۱۳۹۵، ص ۸).

ب) درگیر شدن در برابر بی‌طرفی: شکاف بین پژوهشگران «بی‌طرف» و پژوهشگران «درگیر»، در آثار مربوط به ارتباط علمی خصوصاً در کشورهای توسعه‌یافته و تا حد کمتر در تحقیقات مربوط به کشورهای روبه توسعه مشهود است. اساساً از چشم‌انداز دانش سیاست‌گذاری عمومی دوطبقه بزرگ از پژوهشگران وجود دارد: پژوهشگران درگیر در فرایندهای سیاست‌گذاری و پژوهشگرانی که خودشان را از سیاست جدا می‌کنند. این شکاف اغلب میان دو گروه رخ می‌دهد: پژوهشگران «کاملاً بی‌طرف» که معتقدند درگیر شدن در گفتگوهای شهروندی به بی‌طرفی آسیب می‌زند و «دانشمندان شهروند» که معتقدند پژوهشگران می‌توانند - و گاهی باید - به تصمیم‌گیران کمک کنند تا دانش علمی مناسب را وارد سیاست‌گذاری کنند (Higgins & et al., ۲۰۰۶). بحث بین این دو جبهه اغلب باعث می‌شود خیلی از پژوهشگران علاقه‌ای به وارد شدن در گفت‌وگوهای مدنی نداشته باشند: برخی از آنها بر اساس استدلال بی‌طرفی کامل، قانع شده‌اند و برخی دیگر گمان می‌کنند از نظر حرفه‌ای، امن‌تر است که فقط، متمرکز بر پژوهش باشند و طرفداری از هر چیزی حتی علم، خطرناک است. با این حال، استدلال‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد که اگر پژوهشگران خودشان را از پیامدهای سیاستی پژوهش جدا کنند، یک «خلأ» ایجاد می‌کنند که احزاب دارای انگیزه سیاسی آن را پر می‌کنند و تفسیر خودشان را ارائه می‌دهند و بدون روبرو شدن با مخالفت جدی، ممکن است عموم مردم را به سمت اهداف خود ببرند و گمراه کنند. چنین موقعیتی با فضایی که مبتنی بر چارچوب سازه‌ای گزارش‌های سیاستی است بسیار متفاوت است. زیرا گزارش‌های سیاستی «در پاسخ به پرسش چه باید کرد؟، چه اقدامات، برنامه‌ها و راهبردهایی باید اتخاذ کرد؟ و اینکه این سیاست‌ها و برنامه‌ها (یا واحد تحلیل مورد بررسی اعم از موضوع، محیط، سازمان، کشور، صنعت خاص و ...) را در چه موقعیتی باید قرار دهد؟ در واقع مسئله این است که به کدام سمت و به چه موقعیتی باید حرکت کنیم؟ در کجا قرار بگیریم؟ وضعیت و موقعیت مطلوب، مورد اجماع چیست؟ و برای رسیدن به آن و تحقق آنچه باید کرد؟» (حاجیان، ۱۳۹۵، ص ۹).

ج) ساختار انگیزه و چارچوب زمانی پژوهشگران و سیاست گذاران

مسئله اصلی ارتباط میان سیاست گذاران و پژوهشگران، مربوط به چارچوب‌های زمانی و ساختارهای انگیزه‌ای متفاوت این دو گروه است. از یک سو، ماهیت زمان‌بر پژوهش «محض» را که چارچوب زمانی ندارد، نمی‌توان با نیازهای سیاستی سیاستمداران که اغلب باید بر اساس ضرب‌الاجل‌های دقیق کار کنند و نتایج سیاستی کوتاه‌مدت و محسوس به دست دهند، سازگار کرد. از سوی دیگر، سیاست گذاران اغلب تلاش می‌کنند پایه‌پای تفکر علمی پیش بروند، خصوصاً از نظر تدوین سیاست‌ها و زیرساخت‌های مرتبط برای امکان‌پذیر ساختن و تنظیم کردن روند پیشرفت‌های علمی و فنی (Clark & Juma, 2002).

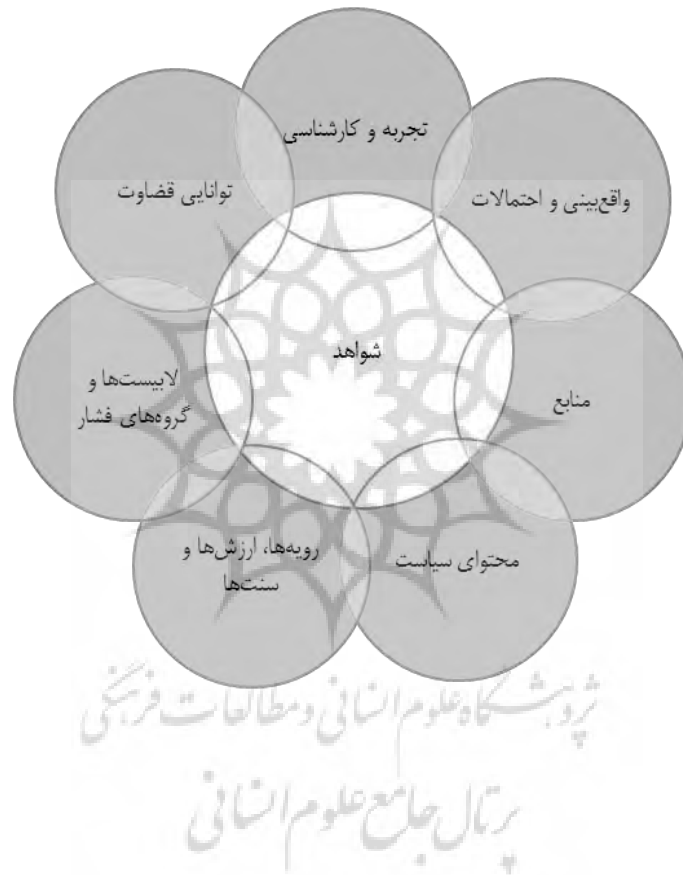
د) عامل شواهد در برابر عوامل بافتاری در تصمیم‌گیری سیاستی

یافته‌های پژوهشی باعث بهبود کیفیت زندگی به صورت‌های گوناگون شده است. استفاده بهتر از شواهد پژوهشی در سیاست‌گذاری توسعه، می‌تواند از طریق سیاست‌های مؤثرتر و واکنش بهتر به پیشرفت‌های علمی و فنی، استفاده بهتر از منابع و رفع بهتر نیازهای شهروندان، کیفیت زندگی را بالا ببرد و در نهایت باعث ارتقای ظرفیت سیاستی دولت می‌شوند (WHO, 2004). با این حال، اغلب پیوند میان پژوهش و سیاست‌گذاری را فرایندی خطی می‌دانند که در آن یافته‌های پژوهشی نقادانه تحلیل می‌شوند و بهترین گزینه وارد سیاست می‌شود (Young & Court, 2004). اما در عمل، فرایند ورود شواهد پژوهشی به تصمیم‌گیری سیاستی، فرایندی پیچیده و شامل تأثیرات متعارض است که شواهد فقط یکی از عناصر آن است (مطابق با شکل ۱). در واقعیت، شواهد پژوهشی بر اساس این عوامل بررسی می‌شود: تجربه سیاست‌گذاران، کارشناسی و توانایی قضاوت، کاربردشناسی بافتی، منابع موجود و بافت سیاستی و نیز رویه‌ها، ارزش‌ها و سنت‌های سیاست‌گذاران و تأثیر لابیست‌ها و گروه‌های فشار.

عوامل مؤثر بر سیاست‌گذاری عمومی

بر پایه یافته‌های یک تحقیق بین‌المللی در سال ۲۰۱۶ راجع به نسبت بین سیاست‌گذاری و پژوهش در زمینه علم، فناوری و نوآوری، موانع استفاده از اطلاعات علمی در سیاست‌گذاری توسعه استخراج شد. این تحقیق شامل بررسی آثار پیشین، مصاحبه‌های کارشناسی، هفت مطالعه موردی در کشورهای روبه توسعه (چین، کامبوج، هند، غنا، زامبیا، نیکاراگوئه و بولیوی) و یک پیمایش بین‌المللی در مورد پژوهشگران، سیاست‌گذاران و سازمان‌های واسطه بود و در طی آن بر سؤالاتی چون نحوه دسترسی به اطلاعات پژوهشی برای سیاست‌گذاری توسعه - خصوصاً در کشورهای روبه توسعه -، انواع مفید انتقال شواهد پژوهشی به صورت مفید برای عاملان سیاستی و روش‌های تسهیل فرایند ارتباط بین سیاست‌گذار و پژوهشگر توسط سازمان‌های واسطه، متمرکز بوده است. یافته‌های این تحقیق بین‌المللی نشان‌دهنده نقش راهبری و اثربخشی گزارش‌های سیاستی در جهت‌دهی به فرایندهای تصمیم‌گیری و سوق دادن دولت به سوی سیاست‌گذاری‌های دقیق‌تر است. افزایش دقت سیاست‌گذاری

دولت، ناظر به توجه به بافتار محیط سیاسی، عنایت به ذی‌نفعان و ذی‌ربطان سیاسی و درنهایت قابلیت اجرا و مؤثر سیاست است. تداوم این روند درنهایت به بهینه‌سازی تصمیمات دولت و منتج به ارتقای ظرفیت سیاسی دولت می‌گردد.



شکل ۱ - عوامل مؤثر بر سیاست‌گذاری

Figure 2: Obstacles to the uptake of scientific information in development policy-making



شکل ۲- موانع استفاده از اطلاعات علمی در سیاست‌گذاری توسعه

با وجود تأکید در آثار مختلف بر تضاد یا استقلال جوامع پژوهشگر و سیاست‌گذار، فرصت بیشتر تعامل، بحث و مذاکره بین پژوهشگران و سیاست‌گذاران باعث بهبود روند استفاده از یافته‌های پژوهشی در تصمیم‌گیری سیاستی می‌شود؛ کما اینکه یافته‌های تحقیق مذکور نشان‌دهنده‌ی نیاز فوری و رفع نشده به انتقال بهتر شواهد علمی و فنی به سیاست‌گذاران است. همچنین حدود ۵۰ درصد سیاست‌گذاران و ۶۵ درصد پژوهشگران احساس می‌کردند؛ که توزیع ناکافی یافته‌های پژوهشی برای استفاده در سیاست وجود دارد (کلاً ۵۹ درصد پاسخ‌دهندگان). در این تحقیق، گزارش‌های سیاستی به‌عنوان ابزار اصلی برای پر کردن این خلأ شناخته شدند و ۷۹ درصد پاسخ‌دهندگان از هر دودسته کشورهای روبه توسعه و توسعه‌یافته، خلاصه‌های سیاستی را

ابزارهای ارزشمند ارتباط دانستند (در کنار مقالات دیدگاهی نوشته شده توسط کارشناسان، آیت‌های خبری و نشست‌های تخصصی). همچنین مصاحبه‌های مفصل با سیاست‌گذاران استانی و ایالتی در کشورهای روبه توسعه نشان داد که آن‌ها نه تنها خلاصه‌های سیاستی می‌خوانند بلکه اغلب، فعالانه متقاضی آن‌ها هستند تا در فرایندهای تصمیم‌گیری از آن‌ها استفاده کنند. یکی از این سیاست‌گذاران در هند می‌گوید: «من اغلب خلاصه‌های سیاستی را برای نیازهای سازمانی و غیرسازمانی خودم می‌خوانم. نمی‌توانم تصور کنم که بدون کمک گرفتن از خلاصه‌های سیاستی، کار انجام بدهم. با خواندن آنها می‌فهمم که چه اتفاقی دارد دوروبرم می‌افتد و دانشم افزایش می‌یابد» (Walsh & Jones, ۲۰۱۵).

بر اساس موارد و محورهایی که در باب نقش گزارش‌های سیاستی گفته شد؛ می‌توان استدلال نمود که گزارش‌های سیاستی برای آنکه کارآمد باشند، باید چند عنصر کلیدی را داشته باشند:

- ❖ اهمیت درک بافت سیاستی در طراحی پژوهش و انتقال اطلاعات؛
- ❖ ضرورت ارائه شواهد باکیفیت و تأکید بر انتقال یافته‌های کلیدی توسط یک پیام‌رسان معتبر و بانفوذ؛
- ❖ ارزش تقویت پیوندها و ارتباط فعالانه بین سیاست‌گذار و پژوهشگر به منظور تضمین اینکه نتایج پژوهشی بخشی از یک دیالوگ مستمر هستند. (خلاصه در جدول ۱ آمده است).

جدول ۱ - عناصر کلیدی خلاصه‌های سیاستی کارآمد

<ul style="list-style-type: none"> • هدف شفاف • استدلال منسجم • کیفیت شواهد • شفافیت شواهد زیربنای پیشنهادات سیاستی (مثلاً تحقیق فردی، ترکیبی از شواهد موجود و ...) 	استدلال قانع‌کننده	شواهد
<ul style="list-style-type: none"> • پیام‌رسان (فرد یا سازمان) از نظر سیاست‌گذار دارای اعتبار و نفوذ باشد. 	صلاحیت و اتوریته	
<ul style="list-style-type: none"> • برای بافت خاص باشد (ملی یا فروملی) • نیازهای مخاطبان را در نظر بگیرد (سیاست اقتصادی در برابر سیاست اجتماعی) 	داشتن بافت و مخاطب خاص	بافت سیاستی
<ul style="list-style-type: none"> • اطلاعات به فرایندهای سیاستی خاص مرتبط باشد. 	پیشنهادهای اجراپذیر	

<ul style="list-style-type: none"> • پیشنهاد‌های شفاف و عملی راجع به گام‌های سیاستی که باید برداشته شود. 		
<ul style="list-style-type: none"> • ارائه نظرات خود نویسنده راجع به پیامدهای سیاستی یافته‌های پژوهشی • شناسایی شفاف مؤلفه‌های استدلالی که دیدگاه‌بنیاد هستند 	ارائه نظرات با شواهد کافی	جذابیت/درگیرکنندگی
<ul style="list-style-type: none"> • به راحتی توسط فرد تحصیلکرده غیرمتخصص فهم شود. 	زبان و نحوه نگارش شفاف	
<ul style="list-style-type: none"> • از نظر دیداری جذاب باشد. • ارائه اطلاعات از طریق نمودار، تصویر و جدول. 	ظاهر/طراحی	

تأثیرات خارجی: تأثیرات بین‌المللی،
تأثیرات اقتصادی و فرهنگی و ...



شکل ۳ - عناصر سازنده یک گزارش سیاستی

شواهد^۱

تدوین یک استدلال قانع کننده

به طور کلی، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران بر نیاز به بیان شفاف و فوری هدف یک گزارش سیاستی تأکید دارند (هاولت و رامش، ۱۳۹۴؛ Choi & et.al., ۲۰۰۷). بیان هدف، باید لب مطلب را بگوید و انگیزه‌ای برای خواندن گزارش ایجاد کند و مروری بر محتوای گزارش برای کاربران پرمشغله باشد. این بیان هدف، مثل یک مقاله روزنامه‌ای باید هم خواننده را «به دام بیندازد» و هم بیان چکیده‌ای از کل خلاصه سیاستی باشد.

از آنجاکه شواهد علمی فقط یکی از عوامل مؤثر بر تصمیمات سیاست‌گذاری است، گزارش‌های سیاستی باید خواننده را نسبت به اهمیت شواهد و پیشنهادها قانع کنند. داوران گزارش‌های سیاستی در کشورهای روبه توسعه بر حجم بالای اطلاعات در این خلاصه تأکید داشتند. با توجه به حجم بالای اطلاعات و محدودیت‌های زمانی، گزارش سیاستی باید توان این را داشته باشد که خواننده را قانع کند؛ که شواهد ارائه شده اهمیت دارد و اقدامات سیاستی پیشنهاد شده ضروری هستند. برای انجام این کار، گزارش‌های سیاستی کارآمد باید یک استدلال قانع‌کننده را پیش ببرند که اعتبار علمی اطلاعات را حفظ کند و در عین حال، موضوعیت و ضرورت آن را در حوزه سیاست پررنگ کند. این امر شامل تبدیل پیچیدگی یافته‌های پژوهشی به پیام‌های شفاف و کوتاه است که مخاطبان به راحتی بتوانند آن را هضم کنند و به یاد داشته باشند (Herman, ۲۰۱۲, p. ۲-۳). استدلال، همچنین باید عوامل دیگری را که بر تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد، در نظر بگیرد. مثلاً اولویت‌های افراد خیر، حساسیت‌های تاریخی-سیاسی، ارزش‌های فرهنگی و زمان‌بندی انتخابات. شفافیت منبع شواهد زیربنای پیشنهادها سیاستی، برای ارتقای دسترسی بیشتر به دانش جدید علمی، ضروری است. آیا پیشنهادها ناشی از یک تحقیق واحد هستند؟ مرور یا ترکیب اطلاعات موجود هستند یا ترکیب یک برنامه کاری هستند؟ این شفافیت را می‌توان با ارائه فهرستی کوتاه از مهم‌ترین مآخذ و نیز منابع برای مطالعه بیشتر، افزایش داد.

اعتبار پیام‌رسان

به طور کلی اینکه یک گزارش سیاستی فارغ از محتوا و توصیه‌هایی که خواهد داشت، متأثر از نویسنده گزارش و یا سازمان تولیدکننده آن نیز، هست. کاربران نهایی گزارش‌های سیاستی، به کسی که خلاصه سیاستی را تولید می‌کند، توجه می‌کنند و این امر بر پذیرش شواهد و استدلال ارائه شده تأثیر می‌گذارد. مشروعیت، نه فقط حاصل کیفیت شواهد است، بلکه نام نویسنده اطلاعات یا نام سازمان منتشرکننده خلاصه هم مهم است. به همین دلیل است که گزارش‌های مؤسسات و اندیشکده‌هایی چون

^۱.Evidence

موسسه بروکینگز^۱، چتھام هاووس^۲، موسسه رند^۳، مدرسه حکومت کندی دانشگاه هاروارد^۴، مدرسه سیاست‌گذاری عمومی لی کوآن یو سنگاپور^۵؛... از اهمیت و جلب توجه بیشتری از سوی سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران برخوردار است. اگرچه که پشتیبانی نهادی و البته حاکمیتی از این اندیشکده‌ها و تحلیل‌گران مشهور در این اندیشکده‌ها در برجسته شدن برند این مؤسسات سیاستی مؤثر بوده است.

اندیشکده‌ها، دانشکده‌های تخصصی، سازمان‌های علمی و بین‌المللی اغلب به‌عنوان مشروع‌ترین واسط‌های پتانسیل بین جوامع پژوهش و سیاست‌گذار از سوی سیاست‌گذاران مطرح‌اند؛ با این حال، واسطه‌گری بین سیاست‌گذاری و پژوهش، لزوماً بخشی از آیین‌نامه و دستور کار این سازمان‌ها نیست. این امر نشان می‌دهد که نقش‌های نامشخص بسیاری هست که باید در این حوزه توسط کارگزاران دانشی احتمالی، مثل مشاوران سیاستی، افراد خیر و سازمان‌های وب محور پُر شوند. هنگام عمل به‌عنوان کارگزار دانشی و تولید خلاصه‌های سیاستی، سازمان‌ها باید به همکاری با مؤسسات پژوهشی معتبر توجه کنند تا اعتبار خود را افزایش دهند.

بافت

سازگار کردن یافته‌ها با بافتار^۶ سیاسی

ارائه نتایج به‌طوری‌که در بافت‌های خاص ملی یا استانی قابل استفاده باشند، یک چالش عمده است. سیاست‌گذاران، یک مجموعه عاملان همگن نیستند، بلکه نیازها، اولویت‌ها و مشکلات مختلفی دارند و بر اساس جایگاه خود برحسب بخش، سطح سازمانی و نقش سیاسی، اطلاعات را به صورت‌های مختلف به کار می‌برند. یک گزارش سیاستی باید مطابق نیازهای مخاطبان مشخص و نیز مطابق آن نقطه خاص در چرخه سیاستی که می‌خواهد بر آن تأثیر بگذارد (اعم از تعیین برنامه کاری، تدوین سیاست، اجرا یا ارزشیابی) نوشته شود.

الگوهای شواهد بسته به نوع مخاطب شامل نوع کشور، بخش، نقش در سیاست‌گذاری (مثلاً قانون‌گذار، وزیر، سازمان غیردولتی و...)، سطح سازمانی و غیره متفاوت هستند. مثلاً وزارتخانه‌های غیر مرتبط با علوم گزارش می‌دهند که اطلاعات علمی را اغلب در مراحل ارزشیابی سیاست و اجرا به کار می‌برند. برعکس، وزارتخانه‌های مرتبط با علوم و فناوری از اطلاعات علمی، عمدتاً برای مفهومی‌سازی سیاست و تدوین سیاست به کار می‌برند؛ که نشان می‌دهد سیاست‌گذاران غیر مرتبط با علم و فناوری از اطلاعات علمی برای مشروعیت‌بخشی و ارزشیابی تصمیمات سیاستی استفاده می‌کنند. حال آنکه وزارتخانه‌های مرتبط با علم و فناوری عمدتاً برای تدوین سیاست بر اطلاعات علمی، تکیه می‌کنند (Wilhelm, ۲۰۰۹, ۱۶). همچنین تقاضای زیادی برای

^۱. Brookings Institution

^۲. Chatham House

^۳. RAND Corporation

^۴. John F. Kennedy School of Government

^۵. Lee Kuan Yew School of Public Policy

^۶. Context

خلاصه‌های سیاستی خاص منطقه‌ای و محلی وجود دارد. بیش از ۵۰ درصد سیاست‌گذاران در کشورهای روبه توسعه اطلاعات خاص منطقه‌ای را نسبت به اطلاعات کلی ترجیح می‌دهند. برای افزایش مخاطبان و درگیرکنندگی، ترجمه اطلاعات به زبان محلی نیز مهم است.

نمونه‌های موردی در برخی از کشورها نشان می‌دهد که به‌طور مثال در هند و کامبوج، استفاده از اطلاعات علمی در سیاست، ارتباط تنگاتنگی با هماهنگی آن با اولویت‌های وسیع‌تر توسعه ملی دارد. مثلاً در هند، چارچوب‌بندی یافته‌های پژوهشی بیوتکنولوژی در گفتمان‌های فقر محور (افزایش محصولات کشاورزی به‌عنوان ابزاری برای کاهش فقر روستایی) به اجرای سیاست‌های کلی و گسترده انجامیده است. در کامبوج، همچون سایر جوامع پساجحان، پیام‌های پژوهشی ارائه‌شده به‌صورت بخشی از فعالیت‌های گسترده‌تر بازسازی اجتماعی-اقتصادی، بیشتر احتمال دارد که حمایت سیاستی به دست آورند. در هر دو مورد، تکمیل کردن شواهد پژوهشی با داده‌های اجتماعی و اقتصادی، بسیار مؤثر و کارآمد است (بزلی و کورد، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱-۱۰۳).

سازگار کردن یافته‌ها با منافع مخاطبان

هدف یک گزارش سیاستی باید برای مخاطبان، موضوعیت داشته باشد. اساساً طبق تحقیقات متأخر سیاست‌گذاری عمومی، نیازهای اطلاعاتی مقامات وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی با یکدیگر متفاوت است. بنابراین یک خلاصه سیاستی باید بر اساس هدف خاصی که مخاطبان دارند، نوشته شود (اعم از تدوین یا اعتبارسنجی سیاست‌ها). این نشان می‌دهد که ممکن است نیاز به نسخه‌های مجزا - از یک خلاصه سیاستی - برای عاملان سیاستی مختلف وجود داشته باشد؛ نه فقط برحسب سطح یا حوزه سیاسی - بین‌المللی، ملی یا استانی و محلی - بلکه برحسب بخش سیاستی که در آن کار می‌کنند و اینکه آیا کارمند ثابت هستند یا مقامات انتخابی. به این ترتیب، قانع کردن مخاطب، برای اتخاذ یک‌رویه اقدامی خاص مبتنی بر شواهد پژوهشی را می‌توان با تأکید بر منافع احتمالی آن اقدام، تقویت کرد. مطالعات موردی کشورها نشان می‌دهد که مثلاً پیوند دادن شواهد پژوهشی به منافع سیاسی-اقتصادی به‌طور خاص می‌تواند قانع‌کننده باشد، زیرا توجه زیادی به کاهش فقر و رشد اقتصادی می‌شود.

ارائه پیشنهادهای عملی و توصیه‌های امکان‌پذیر

با توجه به فشارهای زمانی روی سیاست‌گذاران برای اجرای سیاست‌ها با نتایج محسوس و سریع، پیشنهادها باید عملی و شفاف باشند و به نقطه‌های تصمیم‌گیری خاص، در فرایند سیاست‌گذاری مرتبط باشند. پیشنهادهای مبتنی بر شواهد، باید ارائه‌دهنده اطلاعات ضروری و با احتمال بالای اثربخشی، به‌منظور تمایزگذاری بین گزینه‌های سیاستی مختلف باشند. همچنین، نویسندگان گزارش‌های سیاستی، باید تضادهای بین دانش جدید و روابط قدرت پیچیده که زیربنای فرایندهای سیاستی هستند را در نظر بگیرند. ارائه شواهد پژوهشی - که فهم‌های رایج را به چالش می‌کشد - باید به شکل محتاطانه انجام شود و با مخاطبان تضاد پیدا نکند. پژوهشگران و مشاوران سیاستی، همواره با این چالش روبرو هستند که به هنگام ارائه شواهدی که احتمالاً در تضاد با

سیاست افراد در قدرت است، احتیاط کنند تا کارشان نادیده گرفته نشود. بنابراین، گزارش‌های سیاستی باید به گونه‌ای شواهد پژوهشی را ارائه دهند که بافت سیاسی نیز در نظر گرفته شود؛ تا بتوان پیام‌ها را به شکل مناسب منتقل کرد و بر سیاست و اقدامات تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران تأثیر گذاشت.

درگیرکنندگی

اکراه نداشتن از اظهارنظر و ارزش داوری

یکی از مهم‌ترین یافته‌های تحقیقات اخیر این واقعیت است که درحالی‌که سیاست‌گذاران برای شواهد پژوهشی ارزش قائل هستند، نمی‌خواهند که فقط مخاطب یافته‌های پژوهشی باشند، بلکه ۸۰ درصد آنها گفتند که می‌خواهند نظر خود پژوهشگران را راجع به پیامدهای سیاستی یافته‌هایشان بشنوند. جالب اینکه، گرچه سیاست‌گذاران کشورهای فقیر و غنی، هر دو ترجیح می‌دادند که پژوهشگران نظر خود را بیان کنند، اما تقاضا برای اظهارنظر، ارزش داوری و مشاوره راجع به اقدامات سیاستی خصوصاً در کشورهای روبه توسعه، هم در سطح ملی و هم در سطح استانی و ایالتی، بالاتر بود (Jones & Walsh, ۲۰۱۵, p.۵).

ارائه پیام‌ها به زبان شفاف

پرواضح است که گزارش‌های سیاستی باید به صورت شفاف و بدون کلمات تخصصی نوشته شوند و برای مخاطبان غیرمتخصص مناسب باشند. زیرا بسیاری از سیاست‌گذاران متخصص نیستند و اصلاً سابقه دانشگاهی و آکادمیک ندارند. طبق نتایج نظرسنجی تحقیق جونز و والش، ۶۴ درصد پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که سطح پایین فهم علمی از سوی سیاست‌گذاران، یک مانع مهم در استفاده از اطلاعات علمی در سیاست‌گذاری است. همچنین تعداد زیادی از سیاست‌گذاران تأکید کردند که بیشتر شواهد پژوهشی به شکل غیرضروری، پیچیده و غیر قابل فهم است (Jones & Walsh, ۲۰۱۵, p.۶).

درگیر کردن مخاطبان به شکل بصری

گزارش‌های سیاستی به جهت اینکه اثربخشی بیشتر بر مخاطبان خود داشته باشند، نه تنها از نظر مفهومی باید درگیرکننده باشند، بلکه از نظر بصری هم باید جذاب باشند. سیاست‌گذاران وقت زیادی برای مطالعه ندارند. مرسوم است، بسته به سطحی که گزارش‌های سیاستی دارند، سیاست‌گذاران فقط ۳۰ تا ۶۰ دقیقه صرف مطالعه راجع به یک مسئله خاص می‌کنند. بنابراین، گزارش‌های سیاستی باید توجه خواننده را جلب کنند و اطلاعات را به صورتی عرضه کنند که به راحتی به خاطر آورده شود. کاربست نمودارها، جدول‌ها، تصاویر و آمارهای اینفوگرافیک می‌تواند، میزان درگیرکنندگی یک گزارش سیاستی را ارتقا بخشد.

نتیجه‌گیری

گزارش‌های سیاستی اگر به‌دقت طراحی شوند می‌توانند ابزار مفیدی برای انتقال یافته‌های پژوهشی به تصمیم‌گیران و کارگزاران سیاست‌های توسعه باشند. اما تأثیر هر نوع ابزار بستگی به کاربرد مناسب دارد. تولیدکنندگان گزارش‌های سیاستی که خواستار استفاده از پژوهش علمی و فنی در سیاست توسعه هستند، باید تنش‌های ارتباطی در مرز سیاست-پژوهش را به شکل جدی مدنظر قرار دهند. سیاست‌گذاران در یک محیط پیچیده با نگرانی‌های گوناگون عمل می‌کنند، بنابراین انتقال اطلاعات به تنهایی نمی‌تواند بر برنامه سیاستی تأثیر بگذارد. ارزش یک گزارش سیاستی نه فقط بر اساس ارائه شواهد باکیفیت، بلکه بر اساس تبدیل دانش جدید به پیام‌های بافت محور و رهنمودهای شفاف برای سیاست‌گذاران است. مهم‌تر اینکه، حتی اگر یک گزارش سیاستی کارآمد داشته باشیم، فرایند انتقال پژوهش تمام نشده بلکه تازه شروع شده است.

برای تقویت استفاده از پژوهش‌ها و اجرایی کردن آنها، بحث رودررو یا مجازی و مذاکره با سیاست‌گذاران درباره شواهد پژوهشی و ارائه رهنمودهای سیاستی ضروری است. آنچه موردنیاز است، واسطه‌گری فعالانه و انتقال مناسب در میان تولیدکنندگان دانش، کارگزاران دانشی، کاربران نهایی و نیز رویکرد ارتباطی یکپارچه‌ای است که سطوح فردی، سازمانی و سیستمی را مدنظر قرار دهد. تقویت هماهنگی نزدیک بین پژوهشگران و سیاست‌گذاران از همان ابتدا (به‌جای توزیع نتایج پژوهش در پایان پروژه) برای رسیدن به توافق بر سر مسائل کلیدی و ارتقای فهم روش پژوهش و نیز مالکیت یافته‌ها بسیار اهمیت دارد.

ایجاد یک چارچوب مناسب برای ارتباط نیز اهمیت دارد، خصوصاً اگر یافته‌های پژوهش، رویکردهای جاری سیاستی را به چالش بکشد. هم‌اکنون با توجه به آثار فراوان درباره کمپین‌ها و ائتلاف‌های سیاستی، درک مناسبی از کارآمدی درگیرکنندگی عمومی و مشارکت وسیع راجع به یک مسئله و استفاده از درگیرکنندگی عموم (از طریق کمپین و رسانه‌ها) به‌عنوان چارچوبی برای دسترسی به سیاست‌گذاران و تشویق تصمیم‌گیری پاسخگو یانه فراهم شده است. این رویکرد هم توسط تحقیقات و پیمایش‌های بین‌المللی تأیید شده است که خواستار تلاش بیشتر برای ساخت توانمندی دولت جهت مشارکت در بحث‌های پژوهش-سیاست بودند. ارتباط پژوهشی بیشتر بسیار ضروری است، نه تنها میان پژوهشگر و سیاست‌گذار، بلکه به‌طور کلی در میان عموم مردم. بالآخره اینکه، تلاش برای تقویت مهارت‌های ارتباطی و واسطه‌گری دانش در پژوهشگران باید توسط تلاش‌ها جهت تقویت توانمندی سازمانی نهادهای سیاستی برای استفاده از پژوهش‌ها تکمیل شود. این امر شامل تقویت توانمندی‌ها و مهارت‌های فردی و نیز توسعه رویه‌ها، ساختارهای انگیزشی و کانال‌های سازمانی و نهادی جهت ارتقای فرایندهای سیاستی پژوهش محور یا شواهدمحور است. طبق این فرآیند می‌توان گفت که کاربست مؤثر گزارش‌های سیاستی در همه دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی، این توانایی را خواهد داشت که از سویی به بهینه‌سازی و دقت بیشتر تصمیمات سیاست‌گذاران دولتی بیانجامد و از سوی دیگر باعث ارتقای ظرفیت دولت در تدوین، اجرا و پایش سیاست‌ها شود.

منابع

- بزلی، تیمتی؛ کورد، لوئیز (۱۳۸۹). رشد فقرزدا. ترجمه عباس شاکری و امین مالکی. تهران: نشر نی.
- جاودانی، حمید (۱۳۹۴). طراحی الگوی سیاست‌پژوهی در نظام آموزش عالی ایران. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۱(۲)، ص ۸۱-۱۰۴.
- چانگ، ها چون (۱۳۹۲). اقتصاد سیاسی سیاست صنعتی. ترجمه اصلاان قودجانی. مشهد: انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۵). روش‌شناسی، طراحی و تدوین الگوی مطلوب در پژوهش‌های راهبردی. راهبرد، سال ۲۵، شماره ۷۸، ص ۵-۲۸.
- درودی، مسعود؛ مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۶). درآهدی بر رویکرد آرایش سیاسی؛ به‌مثابه بستری برای ارتقای ظرفیت سیاست‌گذاری توسعه دولت. مطالعات راهبردی، دوره ۷، شماره ۲۵.
- درودی، مسعود؛ وحدانی‌نیا، ولی‌اله (۱۳۹۸). سیاست‌گذاری عمومی متأخر؛ گذار از حکومت‌محوری به حکمرانی. دولت‌پژوهی، دوره ۵، شماره ۱۸، ص ۱۳۱-۱۷۰.
- قلی‌پور، رحمت‌الله؛ پورسید، بهزاد؛ حمیدی‌زاده، علی؛ امیری، عبدالرضا (۱۳۸۹). بررسی تأثیر سیاست‌پژوهی در فضای سیاست‌گذاری (مطالعه موردی در مرکز پژوهش‌های مجلس). مدیریت دولتی، دوره ۲، شماره ۴، ص ۱۲۷-۱۴۴.
- کروزیه، میشل (۱۳۹۲). دولت فروتن، دولت مدرن. ترجمه مجید وحید. تهران: رخداد نو.
- گلدمن، جان (۱۳۹۴). کاربرد روش‌های تحقیق در بررسی اطلاعاتی. دانشکده اطلاعات.
- هاولت، مایکل؛ رامش، ام. (۱۳۹۴). مطالعه خط‌مشی‌ء عمومی: چرخه‌های خط‌مشی‌ء و زیرنظام‌های خط‌مشی‌ء. ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن. تهران: کتاب مهربان نشر.
- یانگ، ایون؛ کوئین، لیزا (۱۳۹۵). راهنمای نگارش گزارش‌های راهبردی در حوزه سیاست‌گذاری عمومی. سیدمهدی ساعتچی و امید صالحی. تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

- Buse, K., Mays, N. & Walt, G. (۲۰۰۵). **Making Health Policy**. Maidenhead, England: Open University Press.
- Cash, D.W. & et al. (۲۰۰۳). **Knowledge systems for sustainable development**. PNAS.
- Choi, B.C.K. (۲۰۰۷). Can scientists and policy makers work together? *Journal of Epidemiology and community health*, ۵۹(۸).
- Clark, W. & Juma, C. (۲۰۰۲). **Mobilizing Science and Technology for Sustainable Development**. Forum on Science and Technology for Sustainability.
- Fairhead, J. & Small, M. (۲۰۰۶). Where techno-Science Meets poverty: Medical research and the economy of blood in the Gambia, West Africa. *Social Science & Medicine*, ۶۳(۴), p. ۱۱۰۹-۱۱۲۰.
- Herman, L. (۲۰۱۲). *Executive Summary Guidelines: A Communication Program workshop*. Harvard Kennedy School of Government.
- Higgins, P.A.T., Chan, K.M.A. & Porder, S. (۲۰۰۶). Bridge over a philosophical divide. *Evidence and Policy*, ۲(۲).
- Jordan, J. & Turnepenni, J.R. (۲۰۱۵). **The Tools Of Policy Formulation; Actors, Capacities, Venues and Effects**. London: Edward Elgar.
- Scott, P., Mortimer, E. & Aguiar, O.G. (۲۰۰۶). The tension between authoritative and dialogic discourse: A Fundamental characteristic of meaning making interactions in high school science lessons. *Science Education*, ۹۰(۴), P. ۶۰۵-۶۳۱.
- Simon, H. (۱۹۷۵). **Administrative Behaviour**. ۳rd edition. New York: The Free Press.
- Simon, H. (۱۹۸۵). Human nature in politics: The dislodge of psychology with political science. *American Political Science Review*, No. ۷۹, p. ۲۹۳-۳۰۴.
- Walsh, C. & Jones, N. (۲۰۱۵). **ODI/SciDev.Net International Survey on the Science-Development Policy Interface**. Unpublished mimeo London: ODI.
- Weingart, P. (۱۹۹۹). Scientific expertise and political accountability: paradoxes of science in politics. *Science and Public Policy*, ۲۶(۳), p. ۱۵۱-۱۶۱.
- WHO. (۲۰۰۴). **World Report on Knowledge for Better Health: Strengthening Health Systems**. WHO: Geneva.
- Wilhelm, T. (۲۰۰۹). Strange Bedfellows: The Policy Consequences of Legislative Judicial Relations in the American States. *American Politics Research*, Vol. ۳۷, p. ۳-۲۹.
- Young, J. & Court, J. (۲۰۰۴). **Bridging Research and Policy in International Development: An Analytical and Practical Framework**. RAPID Briefing Paper ۱, London: ODI.